

# تصویرهای خوب برای بچه‌های خوب

نگاهی به تصویرگری مجموعه کتاب‌های

«قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب»

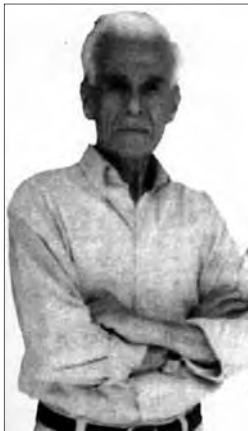
نوشته مهدی آذریزدی

جمال‌الدین اکرمی

افسانه‌های کهن از مهم‌ترین منابع تصویرگری کتاب در ایران بوده است؛ از دوره نگارگری گرفته تا دوران چاپ سنگی و سپس دوران تولد کتاب کودک در ایران. بسیاری از افسانه‌ها، چه از طریق متن کتاب‌های درسی و چه از طریق کتاب کودک، بن‌مایه اصلی تصویرهای فراهم آمده برای کودکان به شمار می‌رود. گذشته از دوران نگارگری که متن افسانه‌ای کتاب‌هایی چون کیله و دمنه، شاهنامه فردوسی و هفت اورنگ جامی بارها و بارها توسط نگارگران خوش‌ذوق ایرانی تصویر شده، در دوران چاپ سنگی، بسیاری از این متن‌ها از طریق کتاب‌های درسی و آموزشی، توسط تصویرگرانی چون عبدالمطلب اصفهانی، محسن تاج‌بخش و مصورالملک به تصویر درآمده است.

در دوران تولد کتاب کودک در ایران (۱۳۱۰-۱۳۰۰ شمسی)، گردآوری افسانه‌های کهن و قصه‌های عامیانه توسط کسانی چون صادق هدایت، کوهی کرمانی، صبحی مهتدی و ژو کوفسکی با تصویرهایی برای کودکان همراه شده که توسط هنرمندانی چون محمد بهرامی (پانزده افسانه از افسانه‌های ایرانی، نوشته کوهی کرمانی و کتاب افسانه‌های کهن، نوشته صبحی مهتدی، جلد ۱، هر دو نشر امیرکبیر)، محسن وزیری مقدم، افسانه‌های کهن، جلد ۲، نوشته صبحی مهتدی، انتشارات امیرکبیر) و لیلی تقی پور (داستان‌های ملل و افسانه‌های صبحی) تصویرگری شده است. در این میان، تلاش‌های صبحی مهتدی در انتشارات امیرکبیر و چاپ کتاب افسانه‌ها و افسانه‌های کهن برای کودکان، از جایگاه ویژه‌ای در بازنویسی افسانه‌های کهن‌الگو برخوردار است.

محمد بهرامی با تصویرگری کتاب‌های ۳ جلدی «قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب» در نیمه دوم دهه ۳۰، ادامه‌دهنده تلاش‌های رضا شهبانی، محمود جواد پور، لیلی تقی‌پور و دیگران در پرداختن به تصویر برای کتاب‌های کودکان است. تصویرهایی با طراحی‌های قلمی با تأکید بر خلاصگی، سادگی و رسانایی موضوع متن و تخیلی‌نه‌چندان



محمد بهرامی، تصویر جلد اول تا سوم کتاب‌های «قصه‌های خوب...»



پیچیده، نتیجه تلاش‌های محمد بهرامی برای مصور کردن این سه کتاب است. بازنویسی داستان‌های کهن توسط مهدی آذریزدی، تلاش همسان دیگری است که به دنبال تلاش‌های صبحی در جمع‌آوری افسانه‌های کهن صورت گرفت. چاپ مجموعه کتاب قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب با بازنویسی داستان‌های مرزبان‌نامه، کلیله و دمنه، اسکندرنامه، منطق‌الطیر، مثنوی مولوی، گلستان و دیگر آثار کهن فارسی صورت گرفت و تصویرگرانی چون محمد بهرامی برای جلد ۱، ۲، ۳، مرتضی ممیز (برای جلد ۴ و ۵، ۱۳۴۵)، فرشید مثقالی (برای جلد ۶ سال ۱۳۴۷) و علی‌اکبر صادقی (برای جلد ۷، سال ۱۳۵۲) تصویرهایی برای این مجموعه فراهم آورده‌اند.

مجموعه‌ای که به ویژه با تلاش‌های مرتضی ممیز برای تصویرگری جلد پنجم این مجموعه، برای مصور کردن قصه‌های قرآن، با استفاده از تراشه‌های خطی بر سطوح سیاه مرکبی پدید آمده و از ویژگی‌های گرافیکی و نشانه‌شناسی قدرتمندی برخوردار است و از ماندگارترین آثار تصویرگری معاصر ایران به شمار می‌رود؛ آثاری که هنوز هم زیبایی و ارزش نخستین خود را حفظ کرده است.

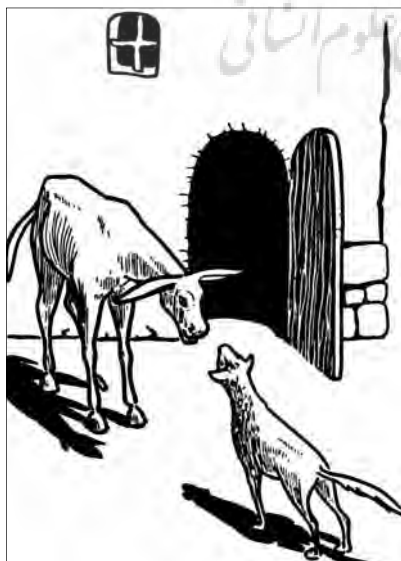
تلاش‌های محمد بهرامی برای تصویرگری ۳ جلد نخست این مجموعه که بازنویسی داستان‌های مرزبان‌نامه، کلیله و دمنه و اسکندرنامه است، عمدتاً از همان ویژگی عامی برخوردار است که در دهه‌های اول، دوم و سوم سده چهارم و در سال‌های تولد کتاب برای کودکان و نوجوانان پدید آمده است. اگر ویژگی اصلی دوران نخست کتاب برای کودکان و نوجوانان را در دوره چاپ سنگی که در نیمه دوم سده سیزدهم و عمدتاً از سال‌های ۱۲۵۰ تا ۱۳۰۰ صورت گرفته است و به متن‌های درسی و آموزشی باز می‌گردد، در حذف رنگ (آن‌چنان که به‌کارگیری آن در دوره نگارگری مرسوم بود) و تأثیر خطوط نگارگری در تصویر بدانییم، این ویژگی در دوران دوم کتاب کودک (سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۴۰) که از متن‌های درسی و آموزشی فاصله گرفته و به تصویر کردن متن افسانه‌های کهن برای کودکان و نوجوانان و تولد کتاب کودک انجامیده، ادامه یافته است؛ با این تفاوت که خطوط طراحی از توانایی و قدرتمندی بیشتری برخوردار شده و نگاه کودکانه در آن گسترش یافته است. محمد بهرامی از



تصویری از محمد بهرامی برای کتاب «افسانه‌های کهن» (جلد ۱)، نوشته صبحی مهدی



تصویری از محمد بهرامی برای کتاب‌های «افسانه‌های کهن»



تصویری از محمد بهرامی برای کتاب‌های «قصه‌های خوب...»

تصویرگران به‌نام این دوره است که همراه لیلی تقی‌پور، رضا شهبازی، محسن دولو، محسن وزیرمقدم، محمود جوادی‌پور، افضل‌الدین آذربُد، یحیی دولت‌شاهی، محمد تجویدی، محمد ناصر صفا و ابراهیم بنی‌احد تلاش‌های خود را آغاز کرد. ویژگی‌های دیگر تصویرگری این دوران را افزون بر سادگی در زاویه دید و دوری از تخیل پیچیده، در همراهی پا به پای تصویر با متن در بیان رخداد‌های قصه می‌توان یافت. این ویژگی به دلیل واقع‌گرایی ساده شده و پیروی از برخی ویژگی‌های نگارگری، به روش «رئالیسم کودکان سنتی» تعلق دارد. اشاره‌ای به واقعیت‌های تاریخی در بالای تصویرگری مجموعه کتاب «قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب» در ادامه مطلب می‌تواند بیانگر شرایط کار و نگرش تصویرگران این دوره باشد.

پرویز کلانتری، تصویرگر و نقاش برجسته ایرانی، درباره محمد بهرامی و تلاش‌های وی چنین روایت می‌کند:

«محمد بهرامی، طراح تبلیغاتی بود و آتلیه‌ای در خیابان شاه‌آباد

داشت که سفارشات زیادی می‌گرفت و یک نوع مشارکتی هم با محمد تجویدی داشت. [...] زمانی که من محمد بهرامی را از نزدیک شناختم، سال‌هایی بود که او کتاب "شاهنامه" را طراحی می‌کرد؛ کاری که خیلی خوب از پس آن برآمد. اخیراً خبر دارم که آقای بهرامی در تهران است و ظاهراً خانه‌اش را به یک نمایشگاه تبدیل کرده و خیال دارد آثارش را یک‌جا بفروشد و یا به یک مؤسسه فرهنگی واگذار کند. این چیزی است که من فقط نقل به قول می‌کنم و خبر کاملی از آن ندارم.»  
مرتضی ممیز، نیز خاطراتش را درباره محمد بهرامی، چنین بیان می‌کند:

«من حدود ۱۰ سال با آقای بهرامی کار کردم. اتفاقاً آقای بهرامی خیلی کم کار تبلیغاتی کرده و آتلیه‌اش بهترین گرافیک در آن دوره بود و آدم‌های بسیاری در آتلیه او همکاری می‌کردند؛ مثل آقای احمدی و آقای تجویدی که خودش هم آتلیه داشت و بعدها آمد در آتلیه آقای بهرامی. در آن آتلیه من هم بودم، و آقای علی‌اکبر صادقی و هم‌چنین آقای کلاتری بود و خیلی بعد از من هم آقای محلاتی و خیلی‌های دیگر به آتلیه‌اش رفتند. سال‌های آخر دبیرستان که بودم، عشق من به این بود که بیایم مخبرالدوله و روی جلد‌های آقای کلاتری و آقای بهرامی را که بیرون آمده بود، ببینم. برای من کارهای کلاتری و بهرامی، بیانگر تحولات جدید حرفه گرافیک بود و من هر روز عصر، پیوسته از آن جا رد می‌شدم.  
یک روز آقای بهرامی به من گفت: "بیا این‌جا پیش من کار کن." آقای کلاتری تازه از آن جا رفته بود. غیر از ما آقای باغداساریان هم بود. آقای باغداساریان تا آخرین روزهایی که چشمش می‌دید، در آتلیه ایشان کار کرد.

آقای بهرامی به نظر من، یکی از بهترین طراحان گرافیک در زمان خودش بود. او اگر چه پیشرو بود، فکر می‌کرد (و شاید هم درست فکر می‌کرد) که این راه، راهی نیست که از نظر مادی، چشم‌انداز عاقبت به خیری داشته باشد. [...] یک چاپخانه باز کرد به نام "گوتنبرگ"؛ با لیتوگرافی و فعالیت‌های گرافیکی پارس و البته ثروت خوبی هم از این راه به دست آورد و بعد هم با خانواده‌اش به آمریکا رفت.

سال گذشته هم نمایشگاهی در خانه هنرمندان گذاشته بود که البته، خوبی کارهای قبلی‌اش را نداشت. در هر حال، گرافیک و چاپ و لیتوگرافی را ما از آقای بهرامی یاد گرفتیم. او همیشه به گردن من حق دارد و من با احترام از او یاد می‌کنم.»<sup>۲</sup>

گذشته از نقل قول‌های گفته شده درباره محمد بهرامی و ارزش آثار او، می‌توان او را آخرین بازمانده تصویرگران نسل دوم کتاب کودک در ایران دانست؛ نسلی که از حوالی سال ۱۳۰۰ کارشان را آغاز کردند، به کتاب کودک و نوجوان مفهوم بخشیدند و ویژگی آثارشان، پرداختن به افسانه‌های کهن بوده است و پس از ۳ دهه، جای خود را به نسل سوم تصویرگران دادند.

از میان تصویرگران نسل سوم که از سال ۱۳۴۰ تا ۱۳۶۰ به کار تصویرگری کتاب کودک پرداختند و «دوران طلایی» تصویرگری کتاب‌های کودکان را پدید آوردند، چهره‌هایی چون مرتضی ممیز، فرشید متقالی، علی‌اکبر صادقی، نورالدین زرین کلک و پرویز کلاتری به چشم می‌خورد. از میان این نسل از تصویرگران که برخورداری از رنگ، حضور تخیل در تصویر و برخورداری از داستان‌های تازه و بازآفرینی نشده، ویژگی اصلی آثار آنان است، ۳ چهره شاخص آن، یعنی ممیز، متقالی و صادقی در کنار مهدی آذریزدی قرار گرفتند و به خلق آثاری پرداختند که از نخستین تلاش‌های خلاقانه آن‌ها در زمینه تصویرگری کتاب کودک و نوجوان به شمار می‌رود.

تصویرگری مرتضی ممیز، از نخستین هنرمندان گرافیست ایرانی، برای کتاب «قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب»، آثاری پدید آورد که به گفته دیگر دوستانش، از برجسته‌ترین آثار تصویرگری کتاب کودک در ایران به شمار می‌رود. مرتضی ممیز در سال ۱۳۴۳، جلد ۴ کتاب «قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب» را که بازنویسی قصه‌های مثنوی مولوی از زبان زنده‌یاد مهدی آذریزدی است، تصویرگری کرده است.

در مجموعه تصویرهای کتاب که از همان خلاصگی آثار محمد بهرامی و طرح‌های سیاه و سفید برخوردار است، این بار تصویرگر کتاب، به جای استفاده از روش «رنالسیسم کودکانه سنتی» که از شناسه‌ها و ویژگی‌های اصلی تصویرگری دوران نسل دوم تصویرگران است، از تصویرهای نسبتاً ساده شده گرافیکی و برخوردار از نشانه‌ها، تخیل و احساس‌گرایی کودکانه بهره جسته است و این ویژگی، آغاز دوران خیال‌گرایی و انتزاع در تصویرگری کتاب‌های کودکان است که در پایانه‌های دهه ۵۰ به اوج نسبی خود نزدیک می‌شود.

در یکی از تصویرهای این کتاب (ص ۹۳)، شخصیت تصویر شده وزیر و پادشاه، با بهره‌جویی از سادگی و ایجاز فراوان، به گونه‌ای طراحی شده که کودک به سادگی می‌تواند توطئه به هم ریختن زندگی یهودی‌ها و نصرانی‌ها را توسط شاه و وزیر در تصویری که آن دو سر در گوش هم برده‌اند، ببیند. این‌گونه نمایش درونمایه حسی تصویر و به هم زدن خطوط واقع‌گرایانه و گرایش به خطوط اغراق شده گرافیکی، ویژه آثار نسل سوم تصویرگران است؛ نسلی که در بهره‌جویی از ویژگی‌های گرافیکی، بیش از همه مدیون تلاش‌های مرتضی ممیز است.

مرتضی ممیز در خلق تصویر، برای جلد پنجم کتاب «قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب» که به بازنویسی قصه‌های

**تصویرگری این مجموعه کتاب، به تلاش‌های ۴ دهه از تصویرگران برجسته ایرانی بازمی‌گردد و گویای تلاشی گروهی است در فراهم‌سازی کتابی که چه از نظر گردآوری متن و چه آماده‌سازی تصویر، از ویژگی‌های درخشان ادبی و هنری برخوردار است**



مرتضی ممیز، تصویرگر جلد ۴ و ۵ «قصه‌های خوب...»



قرآنی بازمی‌گردد، به ویژگی‌ها و تجربه‌های غنی شده‌ای دست می‌یابد که از برجسته‌ترین آثار تصویر شده برای کودکان به شمار می‌رود. این کتاب در سال ۱۳۴۶، از طرف «شورای کتاب کودک» به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

مرتضی ممیز، در سال ۱۳۴۵، برای خلق تصویرهای این کتاب، خلاف تصویرهای قبلی، به پوشاندن فضا و سطوح طراحی شده، آن‌هم با بهره‌جویی قدرتمندانه از تکنیک چاپ دستی می‌پردازد؛ روشی که تا پیش از آن چندان شناخته شده نبود و تنها در برخی آثار گرافیکی محمود جوادپور یافت می‌شد.

روایت تصویرگری این کتاب را از زبان مرتضی ممیز، تصویرگر این کتاب چنین می‌خوانیم:

«داستان مصورسازی این کتاب، به روزی بازمی‌گردد که جوانی آمد سراغ من (که الان اسمش یادم نیست). علاقه‌مند بود که کتاب‌های ادیان مختلف، مثل تورات، اوستا، انجیل و قرآن را مصور کنم. قرار شد قرآن را از سوره الحمد گرفته تا آخر، بنشینیم و کار کنیم. فکر می‌کردم دو-سه سال کار ببرد تا یک قرآن مصور آماده کنم، ولی بلافاصله ماجرا متوقف شد. من یادم هست وزیر فرهنگ و هنر وقت، مرا خواست و پرسید قضیه چیست؟ گفتم چنین ماجرای شده. او هم گفت: "هیچ وقت نباید این کار را بکنی؛ چون که با احساسات مردم در تضاد قرار دارد." گفتم: "اتفاقاً من فکر می‌کنم از این جهت می‌توانم ادای دین بکنم و تصور نمی‌کنم کار بنده باعث ناراحتی شود. حالا هم می‌خواهم سنگ تمام بگذارم." خلاصه کار به این صورت پیش رفت که من تا آن وقت شش-هفت تصویر آماده کرده بودم تا با انتشارات امیرکبیر و مجموعه قصه‌های گردآوری شده مهدی آذریزدی روبه‌رو شدم که داشت روی داستان‌های قرآن کار می‌کرد.

بعد به اتفاق آقای متقالی که روی کتاب دیگری از همین مجموعه کار می‌کرد، تصویرسازی را ادامه دادیم و من در حدود سی و یک یا سی و دو تصویر آماده کردم که در حال حاضر، متأسفانه خودم از آن چند عدد بیشتر ندارم و بقیه‌اش به شکل‌های مختلف گم شد (یکی-دو نمونه از این تصویرها را در دفتر مدیریت داخلی خانه هنرمندان دیده‌ام نگارنده). الان هم که به این‌ها نگاه می‌کنم، احساس می‌کنم هنوز هم یکی از قوی‌ترین کارهای من، تصویرهای همین کتاب است. این‌ها را من در ۲۳ یا ۲۴ سالگی کشیدم، یعنی حدود ۴۰ سال پیش (الان در حدود ۴۸ سال پیش نگارنده) و هنوز برای من یک کار قوی و شسته رفته است. با همین تکنیک، بعداً یک سری تصویر برای شاهنامه فردوسی آماده کردم و بعد هم در دیگر کتاب‌های باستانی و اسطوره‌های همین تکنیک را ادامه دادم؛ منتهی با تغییراتی که تفاوت‌هایی مشخص با تصویرهای قصه‌های قرآن داشت که تصور می‌کنم در مجموع کارهای خوبی باشد»<sup>۲</sup>

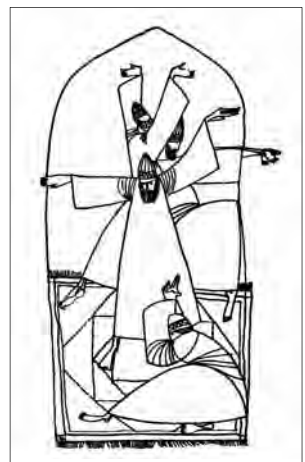
خلق چنین تصویرهای دشوار و ماندگاری، آن هم در نخستین سال‌های تصویرگری هنرمند و در حالی که ۲۳-۲۴ ساله است، از تلاش‌های ارزنده «دوران طلایی» و نسل سوم تصویرگران به شمار می‌رود. مرتضی ممیز در ادامه این گفت‌وگو و در پاسخ به پرسش بهزاد غریب‌پور، تصویرگر برجسته نسل چهارم تصویرگران که معتقد است «این تکنیک در تصویرگری هنوز هم الگوی خیلی از تصویرگران



داستان یوسف، جلد ۵ «قصه‌های خوب...»، مرتضی ممیز



داستان «قارون»، تصویری از جلد پنجم کتاب، تصویرگر: مرتضی ممیز



تصویری از جلد چهارم کتاب، تصویرگر: مرتضی ممیز



تصویری از جلد چهارم کتاب، تصویرگر: مرتضی ممیز

امروزی است»، درباره روش کار خود در تصویرسازی این کتاب می‌گوید: «این کار، تکنیکش خیلی خیلی ساده است. روی کاغذ گلاسه‌ای که بشود آن را تراشید، من با تیغ معمولی، یک طراحی ساده می‌کردم. بعد روی قسمت‌های برجسته را سیاه می‌کردم و آن را به صورت چاپ دستی چاپ می‌کردم. این کار در واقع یک نوع حکاکی بود؛ منتهی روی کاغذ گلاسه. چند سال بعد که برای ادامه تحصیل به جای دیگر سفر کردم، دیدم یک نوع مقوای خوب هست که به همین منظور ساخته شده و شما می‌توانید به سادگی روی آن‌ها خط بکشید و با مدادهای H که یک مقدار سخت است، لایه سیاه روی آن را بترائید. البته باید مواظب باشیم دچار اشتباه نشویم؛ چون قسمت‌های تراشیده شده را نمی‌شود دوباره پُر کرد و مرکب زد. از این نظر، این کار مثل حکاکی روی چوب است.»<sup>۲</sup>

روش به‌کارگیری خراش در خلق تصویرهای کتاب «قصه‌های قرآن»، جلد پنجم کتاب «قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب»، توسط مرتضی ممیز که نخستین نمونه‌های تکنیک «اسکراچ‌پُرد» در تصویرگری کتاب در ایران را به یاد می‌آورد، بدون دلبستگی به رنگین‌کمان رنگ‌ها و کاربرد سایه-روشن‌های بیانگرا خلق شده و به خودی خود از زبانی قدرتمند و توصیفی برخوردار است. نورالدین زرین‌کلک، دیگر تصویرگر برجسته نسل سوم، درباره تصویرگری این کتاب می‌گوید:

«همه ذهنیتی که در ناخودآگاه من راجع به داستان قرآنی جمع بود، صرفاً یک مقدار کلام بود و طبعاً مقداری خیال‌های پراکنده (که به ویژه به سبب ممنوعیت صورت‌سازی در اسلام، ذهن به‌طور خودکار درها را به روی تخیل هم می‌بست). اما زمانی که تصویرسازی‌های ممیز برای قصه‌های قرآنی چاپ شد، ناگهان این کلمات برای من تصویری شدند و من هنوز بهترین تصویرهایی که از ممیز سراغ دارم، همان قصه‌های قرآن اوست.»<sup>۳</sup>

تصویرگری جلد ششم مجموعه «قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب» را فرشید مثقالی، دیگر تصویرگر برجسته ادبیات کودکان و نوجوانان ایران خلق کرده است؛ تصویرهایی که از نخستین آثار تصویری وی به شمار می‌رود. فرشید مثقالی در آماده‌سازی تصویرهای این کتاب که به قصه‌های شیخ عطار پرداخته است، با بهره‌جویی خلاقانه از ویژگی «رئالیسم کودکان» که به روش سنتی و با استفاده از تجربه‌های نگارگری تصویر شده، آثاری خطی پدید آورده که در نوع خود جذاب و هنرمندانه است و در میان آثار خود او نیز غریب و تازه جلوه می‌کند و شباهت چندانی به آثار پسین او ندارد.

گریز از بُعدنمایی و پرسپکتیو به همراه حذف حس‌گرایی، انتزاع و طراحی بیانگرا، تصویرهای این کتاب را به ویژگی آثار نسل دوم تصویرگران نزدیک کرده و ویژگی‌های گرافیکی و تازگی خطوط، آن را به ویژگی آثار نسل سوم تصویرگران. از سوی دیگر، کاربرد خطوط نسبتاً پهن و نوع ترکیب‌بندی، بیننده تصاویر را به یاد ویژگی آثار نسل اول تصویرگران کتاب کودک در دوران چاپ سنگی می‌اندازد و همین توجه به ویژگی‌های کهن‌الگو، بخش دیگری از ارزش‌های تصویری این کتاب را آشکار می‌سازد.

تصویرگری جلد هفتم مجموعه کتاب «قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب» که «قصه‌های گلستان و مُلستان» نامیده شده، به یکی دیگر از تصویرگران برجسته نسل سوم تصویرگران، علی‌اکبر صادقی تعلق دارد. استفاده از ویژگی‌های نگارگری، اصل همیشگی آثار تصویری علی‌اکبر صادقی برای کتاب‌های کودکان و نوجوانان است؛ اصلی که او در نخستین اثر تصویری‌اش، یعنی تصویرگری کتاب «قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب»، با خلاقیتی آشکار در طراحی و ترکیب‌بندی به کار می‌گیرد. کاربرد خط-هاشورهای محیطی که در کتاب دیگر



فرشید مثقالی، تصویرگر جلد ۶ «قصه‌های خوب...»



روی جلد کتاب ششم (تصویر روی جلد از: مهرانوش معصومیان)



تصویری از جلد ششم کتاب، تصویرگر: فرشید مثقالی



تصویری از جلد هفتم کتاب، تصویرگر: علی‌اکبر صادقی



تصویری از جلد هفتم کتاب، تصویرگر: علی‌اکبر صادقی

کتاب‌ماه کودک و نوجوان  
شهریور ۱۳۸۸



مهرنوش معصومیان، تصویرگر روی جلد برخی از کتاب‌های «قصه‌های خوب...»



علی اکبر صادقی، تصویرگر جلد ۷ «قصه‌های خوب...»

او به نام «سفرهای سندباد»، بار دیگر با کاربرد رنگ تکرار می‌شود، شناسه اصلی تصویرهای او در مصورسازی این کتاب است. ویژگی‌های گرافیکی به کار گرفته شده در خلق اثرهای این کتاب، مختص خود اوست و در خیزش تکنیکی تصویرگری کتاب کودک در ایران به سوی انتزاع خطوط در دوران سوم تاریخ تصویرگری، ارزش ویژه‌ای برخوردار است.

هر چند علی اکبر صادقی این روش را در کارهای اصلی و برجسته خود، در کتاب‌های «پهلوان پهلوانان» و «عبدالرزاق پهلوان» کنار گذاشته و یا تغییر شکل می‌دهد، چنین برخوردی با خط در طراحی، در نوع خود یگانه و تأثیرگذار است.

علی اکبر صادقی درباره تصویرگری این کتاب می‌گوید:

«یک روز ممیز آمد و به من گفت که من جایی کار می‌کنم که دفتر آقای بهرامی است. گفته کارهای تو را در دانشکده دیده و خیلی خوشش آمده. اگر تو هم دوست داشته باشی، می‌توانی با ما همکاری کنی. [...] وارد آن دفتر شدم و با آقای ممیز کار کردیم.»<sup>۶</sup>

و در ادامه، چنین ابراز می‌کند که: شاید بگویم اولین کتابی که من تصویرگری کردم، همین کتاب «قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب» بود؛ کتابی به اسم «قصه‌های گلستان و مِلستان».<sup>۷</sup>

با نتیجه‌گیری از گفته‌هایی از این دست، می‌توان به نقش محمد بهرامی در دعوت از تصویرگرانی چون مرتضی ممیز، فرشید منقالی و علی اکبر صادقی (و دیگر تصویرگران) به آتلیه‌اش و سپردن ادامه تصویرگری مجموعه کتاب‌های «قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب»، از جلد چهارم تا هفتم، پی برد؛ نقشی که بدون شک در کشف استعدادها و جوان تصویرگری و سپردن کار به آنان، در تاریخ تصویرگری ایران تأثیری بس درخشان و به یادماندنی برجای گذارده است.

هم‌چنان که دریافته شد، تصویرگری مجموعه کتاب‌های «قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب»، عمدتاً از نخستین آثار تصویرگری این هنرمندان به شمار می‌رفته و چنین آغاز درخشانی، بدون شک پایانی شگفت‌انگیز به همراه داشته است. نقش مجموعه کتاب‌های مهدی آذریزدی، در «قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب»، برای ایجاد زمینه‌ای رشک‌برانگیز و ماندگار در تصویرگری کتاب کودک در ایران، برای هنرمندان بزرگ این نسل، بنا به اسناد تاریخی یاد شده، انکارناپذیر است.

و در پایان، ارتباط تصویری این کتاب‌ها، هم‌چنان که با حضور محمد بهرامی از نسل دوم تصویرگران، در دهه ۳۰ آغاز شده بود، با تصویرگری روی جلد این کتاب در چاپ‌های بعدی، توسط مهرنوش معصومیان در دهه ۶۰، با نسل چهارم تصویرگران پیوند می‌خورد. این تصاویر روی جلد، یادآور چهره‌های ساده شده و شاد کودکان ایرانی، مجموعه کتاب «قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب» و شخصیت پنهان و آشکار مهدی آذریزدی در حفظ افسانه‌های کهن ایرانی است. به این ترتیب، تصویرگری این مجموعه کتاب، به تلاش‌های ۴ دهه از تصویرگران برجسته ایرانی بازمی‌گردد و گویای تلاشی گروهی است در فراهم‌سازی کتابی که چه از نظر گردآوری متن و چه آماده‌سازی تصویر، از ویژگی‌های درخشان ادبی و هنری برخوردار است.

#### پی‌نوشت:

۱ - کتاب ماه کودک و نوجوان، دی ماه ۱۳۸۰، ص ۶۷ (برای تصویرگری دهه چهل - ۱)

۲ - همان‌جا

۳ - همان‌جا، ص ۶۹

۴ - همان‌جا

۵ - کتاب ماه کودک و نوجوان، فروردین ۱۳۸۴، ص ۱۸ (گزارش چهلین نشست نقد آثار تصویری کودک و نوجوان)

۶ - کتاب ماه کودک و نوجوان، فروردین ۱۳۸۲، ص ۳۰ (گذشته‌ها در آینه امروز)

۷ - همان‌جا

